



● ایرج بهرامی

چشم اندازی بر چگونگی منظومه سرائی در فرهنگ و ادب کردی

ایرج بهرامی متولد ۱۳۱۸ شمسی کرمانشاه است و فارغ التحصیل زبان و ادبیات آلمانی از دانشگاه وین اتریش در سال ۱۳۳۸ ش. وی پس از سال‌ها از کار دولتی کنار کشید و از سال ۱۳۶۲ به طور جدی به کار تحقیق و ترجمه و تألیف در حوزه ادبیات کردی و فارسی مشغول شد. اولین اثر بهرامی تصحیح «یادداشت‌های میرزا هدایت سپهر (ملک المورخین) همراه با زنده یاد استاد عبدالحسین نوایی است. دیگر آثار وی عبارتند از:

- ۱- اسطوره اهل حق (جستاری تاریخی پیرامون مهر و مهرپرستی اهل حق «یارسان» ۱۳۷۸ نشر آتیه
- ۲- نخستین مجلد از شاهنامه کردی ۱۳۸۳ نشر هیرمند ۳- اسب در قلمرو پندار (نگرشی بر باورهای اساطیری، افسانه‌ای و تاریخی درباره‌ی اسب) ۱۳۸۵ نشر زوار و ورجاوند ۴- روئین تپه و جاودانگی در اساطیر ۱۳۸۵ نشر زوار و ورجاوند
- آثار زیر چاپ: ۱- مجلد دوم و سوم شاهنامه کردی، نشر آنا ۲- منظومه‌های عاشقانه‌ی کردی، نشر آنا
- ۳- گزیده‌ی شاهنامه و داستان رستم و سهراب نشر زوار

نگارنده بر این باور است که برای آشنائی با منظومه سرائی در بین گردان نخست پرداختن بر چگونگی منظومه سرائی در زبان فارسی خالی از فایده و ضرورتی نیست، زیرا منظومه سرائی در زبان‌های فارسی و کردی رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند و عدم آشنائی با هر یک از این دو مورد موجب می‌شوند که خواننده راه به جایی نبرد. در این جا به همین لحاظ به سیر تکاملی منظومه سرائی در زبان فارسی به اختصار اشاراتی می‌نمایم.

آثار بازمانده از ادبیات قبل از اسلام نشان می‌دهد که منظومه سرائی در ادبیات دوران ساسانیان (۲۲۴-۶۵۲ میلادی) و حتی قبل از آن در دوران پارت‌ها (اشکانیان) سابقه داشته و بسیاری از منظومه‌هایی که به زبان فارسی دری سروده شده از زبان فارسی میانه پهلوی که زبان متداول در جنوب و جنوب غربی

ایران و زبان رسمی ساسانیان بوده و یا از زبان پارتی (پهلوانیک یا پهلوی اشکانی) ترجمه شده‌اند که از جمله‌ی این منظومه‌های کهن می‌توان از منظومه‌ای به نام درخت آسوری نام برد.^۱ منظومه‌سرائی در بین سرایندگان فارسی‌گوی از همان آغاز دوران شعر فارسی یعنی در قرن چهارم هجری قمری متداول شده و دریغ که از نخستین منظومه‌های فارسی همچون کلیله دمنه، سندبادنامه سروده‌ی رودکی سمرقندی (متوفی ۳۲۹ هجری قمری)، وامق عذرا، سرخ بت، خنگ بت، شادبهر و عین الحیات سروده‌ی عنصری (متوفی ۴۳۰ هجری قمری) بیش از چند بیتی از هر کدام باقی نمانده و تنها منظومه‌ی کاملی که از اوائل قرن پنجم هجری قمری از دستبرد روزگار مصون مانده و به زمان ما رسیده، منظومه‌ی است با نام ورّقه و گلشاه از سراینده‌ای به نام عیّوقی که معاصر سلطان محمود غزنوی بوده (۳۸۹-۴۲۱ هجری قمری) و داستان آن اصل عربی دارد.^۲

در اقسام شعر فارسی، منظومه شعری روایتیست که به طور معمول سراینده در آن به شرح داستان‌های حکمی، عرفانی، حماسی، تاریخی، عاشقانه و یا طنزآمیزی می‌پردازد و می‌توان گفت که بخش اعظم منظومه‌های فارسی را، منظومه‌های غنائی تشکیل می‌دهند که اکثر آنها مضامین فوق را دارا هستند و اغلب در قالب مثنوی و در دو بحر متقارب و هزج سروده شده‌اند. این گونه منظومه‌ها به تقریب از یک طرح کلی برخوردارند، سراینده نخست با ستایش از کردگار و پیامبر راستینش محمد مصطفی (ص) منظومه را آغاز و سپس به مدح شاهان و یا حکام که هم عصر وی بوده و به سفارش آنان منظومه سروده شده، می‌پردازد.^۳

ناگفته نگذارم که سرایندگان فارسی زبان در سرایش منظومه از قالب‌های دیگر شعری هم به غیر از قالب مثنوی بهره‌وری نموده‌اند و این مورد هم درست است که این سرایندگان نخست بحر عروضی را از زبان عرب آموختند، لیکن از همان ابتدا به استقلال در شعر اندیشیدند و به همین دلیل توانستند شعر را در قالب نوینی بسرایند و عرضه نمایند که متناسب با روح زبان فارسی و انباشته از پند و اندرز، امثال و حکم و پیشینیان باشد.

تا اواخر قرن پنجم هجری قمری از بیش از یکصد منظومه یاد شده که با تأسف باید گفت از این تعداد تنها چند منظومه به طور کل به زمان ما رسیده که مشهورترین آن‌ها: شاهنامه‌ی فردوسی حکیم فرزانه‌ی توس، گرشاسب‌نامه‌ی حکیم ابونصر علی بن احمد اسدی توسی و ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی است. قرن ششم و هفتم هجری قمری از قرون پر باری هستند که در تاریخ منظومه‌سرائی در زبان فارسی بسیار شاخصند، زیرا در این دو قرن منظومه‌های برجسته و بی نظیری توسط سرایندگان نام‌آوری سروده شده که همگی سرآمد دیگر منظومه‌های فارسی هستند، همچون حدیق الحقیقه سنائی، منطق الطیر عطار، خمسه‌ی نظامی، بوستان سعدی و مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین بلخی.

منظومه‌سرائی تا پایان قرن هشتم هم گسترش می‌یابد، لیکن از آغاز قرن نهم به بعد دیگر شاهد رشد و توسعه آن نیستیم و تنها شاهد تکرار و تقلیدی هستیم که تا قرن دوازدهم هجری قمری همچنان رشد و توسعه دارد. آن گونه که نوشته‌اند، در این روزگاران یکصد و پنجاه منظومه به تقلید از مخزن الاسرار، خسرو و شیرین و دیگر منظومه‌های نظامی سروده شده است.^۴

حال قبل از اینکه به چگونگی منظومه‌سرائی در بین گردان پردازم، اشاره به موردی خاص لزومی دارد. واقعیت این که هر یک از ولایات ایران و اقوام مختلف ساکن در آن‌ها به لحاظ این که دانشمندان و سرایندگان صاحب نامی را در دامان خود پرورده‌اند، بدیهی است در ساختار فرهنگ ایران سهم بسزایی

دارند که از جمله ی این ولایات ها دو ولایت غربی ایران ، کردستان و کرمانشاه هستند که از جایگاه خاصی برخوردارند. اما در مورد منظومه سرائی در بین کردان و این که از چه زمانی در بین این قوم رواج یافته ، آگاهی آن چنانی ندارم و تنها با توجه به شواهدی همچون این بیت :

روی دوشمه بی ذیحجه الحرام هزار و یکصد و پنجاه و سه تمام

که این روز دوشنبه از ماه ذیحجه الحرام در سال ۱۱۵۳ هجری قمری تاریخ سرایش منظومه ی کُردی خسرو و شیرین سروده ی خاناقبادی است . و یا این بیت

تاریخ گفتار بنده شرمسار هزار و یکصد و هشتاد و چوار

که سال ۱۱۸۴ هجری قمری تاریخ به پایان رسیدن منظومه ی کُردی شیرین و فرهاد سروده ی ملا شفیع گورانی است . با توجه به این مطلب که هر دو منظومه ی فوق از منظومه های کهن کُردی هستند و همچنین تاریخ سرایش منظومه ی مَم و زین سروده ی احمد خانی را که آن هم از کهن ترین منظومه های کُردی است در اواخر قرن شانزدهم میلادی نوشته اند ، می توان که تاریخ رواج منظومه سرائی در بین کردان نمی تواند جلوتر از قرن یازدهم هجری قمری (= قرن شانزدهم میلادی) باشد. ۵

در اینجا ضرورت ایجاب می نماید که از دو نمونه سروده های کُردی که البته در قالب منظومه هائی که در بالا به شرح آن ها پرداختند نیستند ، لیکن بسیار قدمت و شهرت دارند ، یادى شود. نخست بیت های عامیانه ی منظومه ی کُردی است که بر اساس داستانهای عامیانه ی رایج در میان کردان که از نسلی به نسلی منتقل شده و تاریخ سرایش و سراینده هیچ یک از این بیت ها مشخص نیست و آن ها به مرور زمان سروده شده و توسط سراینده گان مختلفی تکامل یافته و خوانندگان محلی کُرد با خواندن آنها موجب رواجشان شده اند. البته این راه هم بگویم که برخی از این قبیل بیت ها ظاهراً بر اساس زندگی شخصیت های حقیقی سروده شده و دلیل آن هم این که هنوز در برخی از سرزمین های کُردنشین از مکان هائی که محل زندگی و یا گور این شخصیت در آنجاست نام می برند. بسیاری از این بیت ها را حدود یک قرن پیش اُسکارمان کُردشناس آلمانی گردآوری و با نام تحفه ی مظفریه در اروپا چاپ کرد و حدود نیم قرن پیش این کتاب که توسط زنده یاد «همین» سراینده ی صاحب نام کُرد بازنگری و تصحیح شده بود توسط انتشارات سیدیان در مهاباد چاپ شده است .

نمونه ی دیگر این سروده ها ، سروده های پر رمز و راز آئین کهن آریائی - ایرانی یارسان (اهل حق) هستند که در قالب ده هجائی که قالب شعری بازمانده از دوران اشکانی و ساسانیست و به گویش کُردی گورانی که از زبانهای اصلی ایران باستانی و زبان رسمی طوایف ماد بوده سروده شده و کلام نامیده می شوند و تاریخ سرایش برخی از این سروده ها به قرون نخستین اسلامی می رسند.

به طور کلی منظومه های کُردی بیشتر به گونه ای حماسی ، عاشقانه ، تاریخی و یکی دو مورد هم عارفانه سروده شده اند که از مشهورترین و رایج ترین آنها در بین کردان به خصوص در منطقه ی گوران کرمانشاه می توان از منظومه های رستم و سهراب ، هفتخان رستم و... که در تداول عامه ی کُردان شاهنامه ی کُردی نامیده می شوند نام برد که خود بر دو گونه اند ، برخی از این شاهنامه های کُردی به تقلید و براساس شاهنامه ی فردوسی سخن سرای بزرگ ایران شهر سروده شده و ساختار داستانی آنها همان ساختار داستانهای شاهنامه گهگاه با جزئی اختلاف هستند که این جزئی اختلاف هم به احتمال بسیار از باورهای عامیانه ی رایج در بین کردان در باره ی اساطیر ایرانی سرچشمه می گیرد. اما نوع دیگر این گونه شاهنامه های کُردی بر اساس داستانهای عامیانه ی بسیار کهن آریائی درباره اساطیر ایرانی رایج

در بین گردان آریائی تبار به رشته ی نظم کشیده شده اند، همچون: کنیزک و یازده رزم، داستان هفت لشکر (جواهر پوش)، رزنامه ی رستم و زرد هنگ دیو و ... که نقش آفرینان آن ها نوادگان جهان پهلوان رستم زابلی هستند و نام هیچ یک از آنان در شاهنامه فردوسی نامدار نیامده است.

البته این دو مورد که برشمردم درباره ی برخی از منظومه های عاشقانه کُردی هم مصداق دارد و منظومه های عاشقانه ای توسط سرایندگان کُرد به تقلید از داستانهای عاشقانه ی شاهنامه ی فردوسی همچون داستانهای بیژن و منیژه، بهرام و گلندام و ... و یا به تقلید از منظومه های عاشقانه نظامی همچون خسرو و شیرین، شیرین و فرهاد و ... سروده شده اند.

و اما منظومه های تاریخی کُردی بر اساس روایات تاریخی به نظم کشیده شده اند که از این جمله منظومه های نادرنامه (نادر و کوپال) و جنگنامه ی شاهزاده محمد علی میرزا با کهیا پاشا را می توان نام برد که در آنها رویدادهای تاریخی با جزئی اختلافی در تاریخ ها آمده است.

واقعیت اینکه سرایندگان کُرد زبان دیرتر از سرایندگان فارسی گوی به منظومه سرائی پرداخته اند، اما با جزئیات می توان گفت در سرایش منظومه های کُردی با مضامینی مختلف بسیار موفق بوده اند و به حق به خوبی از عهده ی این مهم برآمده اند و به خصوص در زبان کُردی گورانی منظومه هایی موجود است که در دیگر گویش های رایج در ایران به غیر از گویش فارسی همتائی برای آنها نمی توان برشمرد. (۶) این گونه منظومه ها به لحاظ ساختاری بی نقص و در آرایش کلام در اوج کمال و زیبایی هستند، به معرفی برخی از آن ها با مضامین مختلف به شرح زیر می پردازم:

در مضامین حماسی از منظومه های هفت لشکر (جواهر پوش) سروده ی مصطفی بن محمود گورانی، رستم و سهراب، داستان هفتخان رستم، رزنامه ی رستم و زرد هنگ دیو (سه منظومه اخیر از شاعرانی ناشناخته هستند). با مضامین عاشقانه از منظومه های شیرین و فرهاد (منسوب به میرزا الماس خان کندوله ای) و خسرو شیرین سروده ی خاناقبادی و شیرین و فرهاد سروده ی ملا شفیع گورانی که این منظومه ی اخیر از بی نظیرترین منظومه های عاشقانه کُردی و به راستی سراینده در سرایش آن به اصطلاح سنگ تمام گذاشته و حق سخن را ادا کرده است. خورش و خرامان که البته متن گورانی آن مورد نظر است، نه متنی ساختگی از آن که به گویش هورامی توسط شخصی به نام علی کمال باپیر آغا که استعداد چندانی در شعر و شاعری نداشته و ظاهراً بر اساس متن گورانی آن سروده شده و در حدود نیم قرن پیش در عراق به کسوت چاپ درآمده و در ایران هم به طریق افسست تجدید چاپ گردیده است، این منظومه هم از شاعری ناشناخته می باشد و ورقه و گلشاه که منظومه ایست عاشقانه، حماسی و در کتاب حدیقه سلطانی جلد سوم تالیف آقای محمد سلطانی مورخ توانای کُرد تبار از سراینده ای به نام پاشا جلیلیان رستمی فرزند حسین در سال ۱۲۷۱ هجری شمسی در روستای هرسم زنگنه از توابع کرمانشاه دیده به جهان گشوده و نوشته که سرایش منظومه ای با نام ورقه و گلشاه را به وی نسبت می دهند، که البته خدای در این باره داناتر است.

با مضامین تاریخی از منظومه های نادر نامه (نادر و کوپال) در شرح زندگی نادرشاه افشار از طلوع تا غروب که توسط میرزا الماس خان کندوله ای سروده شده و یکی از بهترین منظومه های کُردی محسوب می شود، و منظومه ی جنگ نامه شاهزاده محمد علی میرزا دولتشاه (فرزند بزرگ فتحعلیشاه قاجار) با کهیا پاشا سردار عثمانی که توسط میرزا کردندی در شرح فتح بغداد به سرداری این شاهزاده قاجاری و دلاوری های عشایر گوران، کلهر و زنگنه سروده شده است می توان نام برد و حال در پایان این مقال

روی سختم با تمامی کُرد زبانی است که از صمیم دل به آثار کُردی مهر می ورزند و خواستار حفظ و بقای زبان و فرهنگ و ادب قوم کُرد هستند، اگر نسخه هائی خطی از این گونه منظومه ها در نزد خود دارند و امکان چاپ آنها برای آنان میسر نیست حتماً و از راه لطف قبل از این که از بین بروند کمی از آنها را برای نگارنده این مقاله به نشانی این نشریه ارسال دارند و فراموش ننمایند که منظور از حفظ این آثار نگهداری آن ها در کتابخانه ی شخصی نیست بلکه تصحیح و چاپ آن ها منظور نظر است که موجب می شود این آثار باقی بمانند و به دست آیندگان برسند.

در زیر بخشی از مقدمه ارزشمند استاد کُرد شناس زنده یاد مراد اورنگ را که بر منظومه ی کردی خسرو و شیرین سروده ی خانان قبادی نوشته و در راستای درخواست نگارنده است می آورم و نام و یادش را گرامی می دارم.

«با چاپ این منظومه ها که به دست هزاران تن می رسد و مایه ی شادی روان سرایندگان آن ها می شود، بدیهی است نگاه داشتن نسخه های دستنویس آنها دور از دسترس اهل تحقیق کار درستی نیست و چه خوب است کسانی که از این گونه نسخه های خطی دارند به هر طریقی که دل آنان رضا می دهد در دسترس اهل تحقیق بگذارند تا تصحیح شده و سپس چاپ و در دسترس مردم روزگار قرار بگیرند و اصل نسخه ها نیز اگر از گزند روزگار در امان نمانند نگرانی در پی نخواهد بود. امیدوارم کسانی که نسخه های خطی ای در نزد خود نگاه داشته اند با خواندن این نوشته به خود آیند و بدانند که دور از دسترس نگاه داشتن نوشته ها و یا سروده های دیگران گناهی است بزرگ و نابخشودنی چرا که نویسندگان و سرایندگان آن ها برای به وجود آوردن این نوشته ها و سروده ها شب نخوابی ها کشیده، رنج ها برده و خون دل ها خورده اند. با این آرزو که این آثار در دسترس مردم قرار گیرند و همگان از آنها بهره مند شوند، زیرا هر نویسنده و سراینده ای آنچه را که می نویسد و می سراید برای خود این نوشتن و سرایش را انجام نمی دهد چون که خود مضامین آن ها را می داند و تنها آثارش را برای دیگران قلمی می نماید. از همه این ها که گفتم گذشته، یادگارهای دانشی متعلق به همه مردمانند و شایسته ی آن است که به دست آن ها برسند و آنان از آن ها بهره مند گردند نه این که سالها در گوشه ی خانه ها و یا کتابخانه های شخصی خاک بخورند و نصیب موربانه ها شوند و مایه ی تاسفی گردند برای صاحبانشان.»^۲

پانویس:

۱- درخت آسوری (آسوریک) منظومه ایست منظره آمیز میان بُو و نخل که به زبان پارسی (پهلوی اشکانی) سروده شده و احتمال دارد که ایرانیان در آن روزگار این نوع سروده ها را که دارای خصوصیات شفاهی هستند در سرزمین بین النهرین اقتباس نموده اند، نمونه هایی از این گونه آثار در متون سومری و اکدی دیده می شوند.

(تاریخ ادبیات ایران قبل از اسلام. تالیف: دکتر احمد تفضلی. به کوشش: دکتر ژاله آموزگار. انتشارات سخن ۱۳۷۶. تهران چاپ نخست و صفحه ۲۵۶ به تلخیص)

۲ و ۳- ماهنامه جهان اندیشه شماره ۴ تیرماه ۱۳۸۰. ص ۵۸ به تلخیص

۴- منظومه های فارسی. تالیف: دکتر محمد علی خزانه دار لو. انتشارات روزنه ۱۳۷۵. تهران. چاپ نخست. ص دوازده مقدمه ی کتاب به تلخیص.

۵- در سالهای اخیر عده ای به منظور شجره سازی برای برخی اقوام ایرانی که نامی در تاریخ ندارند، به عمد از سروده های بازمانده به گویش گورانی با عنوان سروده های لکی یاد می نمایند، در صورتی که خود می دانند لکی لهجه است و زبانی مستقل نیست و زبان مادر و اصلی همان زبان کردی گورانی است که زبان طوایف مادی در ایران باستانی بوده و به آسانی تعویض نام آن میسر نخواهد بود. اینان به اصطلاح آب در هاون می گویند و به فرموده ی خداوند سخن سعدی: عرض خرد می برند!

۷- خسرو و شیرین. سروده ی: خانان قبادی. ویراسته ی: مراد اورنگ (با همکاری صدیق صفی زاده بورکه نی). ناشر: مولف ۱۳۴۸. تهران. چاپ نخست. مقدمه ص ۱۱ و ۱۲ به تلخیص.